

طنین شعر باران درباغ و مزرعه

29 بهمن 1402

باران باریده بود و حسابی همه جا خیس شده بود.

بچه در کلاس درس؛ دسته جمعی یک صدا و بلند شعر زیبای باز باران با ترانه... را می خواندند. وقتی مدیر و معلم مدرسه چکش را به روی ورقه فلزی داخل راهرو کوبید بیانگر صدای زنگ پایان کار مدرسه بود .

سپس تمام دانش آموزان راهی خانه های خود شدند .

من هم زیر بارش باران به سمت باغ ها و مزارع روستای آبخوره در بخش دشتابی شهر ستان بوئین زهرا رفتم.

در حدود 480 هکتار از زمین های روستا عمده ترین محصولات آن گندم ,جو, یونجه و مقداری صیفی جات کشت می شود و در 50هکتار باغ های انگور, بادام, پسته ,گیلاس, آلبالو وگردو وجود دارد . آقای قلی طایفه برای استفاده حداکثری از زمین, در فاصله بین درختان باغ اش انواع صیفی جات از جمله کلم کشت کرده بود .

*به روایت: محمد مهدی توکل

**همسفر روستا